



ایران ورجاوند

مجله ایران‌شناسی | سال ۲ | شماره ۳ | پاییز و زمستان ۱۳۹۸ | ۳۰۰۰۰ تومان

- ◆ کوزه فقاع: تقسیری دشوار بین متون تاریخی و شواهد باستان‌شناسی
- ◆ ملاحظاتی درباره هنر متأخر ساسانی: سرستون‌های منقوش تاق بستان
- ◆ هویت‌شناسی و بررسی باستان‌شناختی بافت تاریخی روستای تیغدر قاین
- ◆ شاهکاری سرگردان در پستو: ابریق برنجی موزه باستان‌شناسی شهر زنجان
- ◆ بررسی باستان‌شناختی بخش‌های زهان و شاسکوه شهرستان زیرکوه خراسان جنوبی
- ◆ اهوره مزدا و شاپور دوم؟ یادداشتی بر سنگ‌نگاره دبهیم‌ستانی اردشیر دوم در تاق بستان

ایران ورجاوند

ایران ورجاوند زنده است



مجله ایران شناسی

سال ۲ | شماره ۳ | پاییز و زمستان ۱۳۹۸ |

| شماره ثبت مجله: ۸۰۶۸۸ | شماره ثبت نشان: ۲۹۶۲۹۸ |

ا صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر: دکتر شاهین آریامنش |

امدیر داخلی: هوشنگ رستمی |

نشان مجله ایران ورجاوند برگرفته از گچبری ساسانی یافت شده از تیسفون عراق مربوط به دوره ساسانی است. داستان این گچبری به سال‌ها پیش بازمی‌گردد هنگامی که اسکار رویتز باستان‌شناس آلمانی همراه گروهش در سال ۱۹۲۹ میلادی در تیسفون در محدوده ساختمان بزرگی با نام معارید در حدود ۳ کیلومتری تاق کسری و ۱/۷۵ کیلومتری شمال دهکده سلمان پاک به کاوش‌های باستان‌شناسی پرداخت که در این کاوش‌ها از محلی که سپس تر خانه معارید ۶ نام گرفت شماری صفحه‌های گچبری گرد به دست آورد که در میان آنها صفحه‌گردی با دو بال گشوده شده از روبه‌رو وجود داشت که این دو بال، نشانی به شکل هلال ماه را دربر گرفته‌اند. این گچبری هم اکنون در موزه برلین آلمان نگهداری می‌شود.

تهران، صندوق پستی: ۵۶۹-۱۴۵۱۵

www.iranvarjavand.ir

Iranvarjavand@hotmail.com

۰۹۳۹۵۹۶۹۴۶۶



همه حقوق این اثر برای ایران ورجاوند محفوظ است. تکثیر، انتشار، چاپ و بازنویسی این اثر یا بخشی از آن به هر شیوه همچون رونوشت، انتشار الکترونیکی، ضبط و ذخیره روی سی دی و چیزهایی از این دست بدون موافقت کتبی و قبلی مجله ایران ورجاوند ممنوع است و متخلفان بر پایه قانون «حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» تحت پیگرد قرار خواهند گرفت.

| با همکاری گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن |



”سیاهه“

مقاله

- ۴ اهوره مزدا و شاپور دوم؟ یادداشتی بر سنگ‌نگاره دیهیم‌ستانی اردشیر دوم (۳۷۹-۳۸۳ م) در تاق بستان ابرونو اورلت، ترجمه سجاد بهرامیان
- ۲۰ ملاحظاتی درباره هنر متأخر ساسانی: سرستون‌های منقوش تاق بستان ا مثنو کمپارتی، ترجمه شاهین آریامنش
- ۳۴ شاهکاری سرگردان در پستو: ابریق برنجی موزه باستان‌شناسی شهر زنجان ا علی نوراللهی
- ۶۴ کوزه فقاغ: تفسیری دشوار بین متون تاریخی و شواهد باستان‌شناسی استفان پرادینس، ترجمه محسن سعادت
- ۷۴ بررسی باستان‌شناختی بخش‌های زهان و شاسکوه شهرستان زیرکوه خراسان جنوبی ا محمد فرجامی، علی اصغر محمودی‌نسب
- هویت‌شناسی و بررسی باستان‌شناختی بافت تاریخی روستای تیغدر قاین ا علی اصغر محمودی‌نسب، اسماعیل معروفی اقدم

درگذشتگان

- ۱۲۰ رابرت دایسن ... آرشاک ایروانیان

پیشخوان

- ۱۲۱ افول و سقوط شاهنشاهی ساسانی و ... آرشاک ایروانیان

گزارش

- ۱۲۵ نکوداشت استاد رضا مستوفی فرد آرشاک ایروانیان
- نخستین همایش دوسالانه بین‌المللی انجمن علمی باستان‌شناسی ایران، برهمکنش‌های فرهنگی، پیوست و گسست
- ۱۳۱
- ۱۳۶ هفدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران
- ۱۴۲ بیانیه جامعه باستان‌شناسی ایران درباره نصب دوربین‌های مدار بسته در محل کار کارشناسان باستان‌شناسی



ملاحظات دربارۀ هنر متأخر ساسانی: سرستون‌های منقوش تاق بستان*

متوکمپارتی
ترجمۀ شاهین آریامش

دلپذیر و شگفت‌انگیزی را آشکار کرد از زمانی که یک سازهٔ چوبی که به‌تازگی برای نگهداری چندین ستون-سرستون مطرح ساسانیان ساخته شده بود که تا چندین سال پیش در گذرگاه نابسامان بوستان این محوطه نمایش داده می‌شد. این گروه از سرستون‌ها شامل سه سرستون بود که گفته می‌شود در اصل از بیستون به‌دست‌آمده بودند. یکی از قلعه کهنه، یکی از وِندرنی، دو پیکرهٔ دیگر که در زیر شرح داده خواهند شد (تصویر ۵-۷)^۲ یکی آذین نشده بود^۳ و به‌ویژه دو سرستونی که به‌تازگی پیدا شده‌اند (تصویر ۱-۲).

خوشبخت بودم که از پنجم تا بیست و پنجم می ۲۰۰۵ در نشستی غیررسمی شرکت کردم که از سوی استاد اسکارکیا از دانشگاه کافوسکاری و نیز برگزار شده بود که در آن دکتر رودی فاورو (مورخ هنر)، دکتر استفانو پللو (زبان‌شناس) و دکتر النازمبولینی (فولکوریت) نیز شرکت داشتند. هدف چنین نشستی اساساً متمرکز شدن بر شمایل‌نگاری آیینی پیش از اسلام نبود. باین‌حال مشاهدهٔ یافته‌های نوین باستان‌شناسی از منطقهٔ ویژه‌ای پیرامون کرمانشاه، اجازه داد تا اینک هنر آیینی ساسانی را اندکی بررسی کنیم. بازدید از سازهٔ تاریخی تاق بستان چیز

* این مقاله برگردانی است از:

Compareti, Matteo, 2005-6, Remarks on Late Sasanian Art: The Figural Capitals at Taq-e Bostan, *Name-ye Iran-e Bastan* 511 & 2 (2005-6): 83-98

۲ دربارهٔ سرستون‌های ساسانی نوشته‌هایی بسیاری در دست نیست: Herzfeld 1938; Lushey 1968; Kleiss 1968, figs. 2-3; Lushey 1996a, 1938: 329, fig. 6.1-2, 13 Gall 1990a: 99. همچنین بنگرید به: 3-6.1-2, 13 Tavooosi and Frye 1989: 9-10. شاید آشنایی را نشان می‌دهد: 9-10. 1989; Gignoux 1991: 9-10

۳ بیش از یک سرستون در نظر گرفته‌شده ساسانی هیچ‌گونه تزیینات نقشی ندارد: Lushey, 1968: figs. 3-5, pis. 3-6. شماری سرستون بدون نقش از حاجی‌آباد یافت شده است: Lushey, 1966b: pl. 62. 2-3.



تصویر ۱. نقش سرستون از بیستون: جزئیات نقش بهرام

ساسانی در جریان کاوش‌های علمی به‌دست نیامده است. به‌تازگی سرستون را براساس شکل در رده‌به‌اصطلاح گونه‌شناسی «سبلی» که در هنر بیزانس در سده ۶ بسیار گسترش یافته بود^۱- دسته‌بندی کرده‌اند. هر دو سوی این سرستون‌ها با نقش‌های گیاهی یک در میان تزیین شده‌اند به همراه نیم‌تنه دو مرد تنها که در حال دادن و ستادن صفحه‌ای از مروارید هستند، شیوه رایج اعطای خداوند به پادشاه^۲. یکی از نقش‌ها به گمان بسیار شاه زیناوند ریش‌داری را شاید همانند

یک سرستون منقوش ویژه بی‌درنگ توجه مرا به خود جلب کرد چراکه ویژگی غیرمعمول و همچنین کیفیت استثنایی داشت که اجازه تشخیص جزئیات بسیاری را می‌داد (تصویر ۱). گفته شده که این قطعه از منطقه‌ای پیرامون بیستون یافت شده (در موقعیت فرهادتراش) و به‌تازگی به تاق بستان آورده شده و در کنار دیگر سرستون‌ها جای گرفته است (Moradi 2003).

شوربختانه هیچ سرستونی از روزگار

۱ چنین گونه‌شناسی سرستون‌ها از بیزانس در سده ششم وام گرفته شده بوده است: Huff 1993: 45-46. برای فرضیه مخالف بنگرید به Russo 2004.

۲ برای تشخیص حلقه روبان‌دار در هنر ساسانی بنگرید به: Tanabe 1984a: 36-39; Vanden Berghe 1988: 74. 153 L von Gall 1990a; Vanden Berghe 1993: 74



تصویر ۲. نقش شاه بر سمت مخالف نقش بهرام (تصویرهای ۲-۷، Rudy Favaro)

چنبره‌ای فروغین پشت سر شاه در سرستون است. براساس بررسی‌ها نقش روبه‌روی سرستون نیز چهره‌ی مردی است که ریش آن هنوز در بخشی از چهره قابل مشاهده است (تصویر ۱). در گذشته، تصویرهایی را که بر این طرف سرستون‌های منقوش تاق بستان بود با همداستانی به ایزدی بازمی‌خواندند و آن را آناهیتا می‌پنداشتند.^۱ به‌رحال دست‌کم در این سرستون، نقش روبه‌روی پادشاه (و شاید ایزدی که شناسایی شده) مردی را نشان

نقش شاه در بخش زیرین غار بزرگ در تاق بستان نشان می‌دهد. در سرستونی که به‌تازگی یافت شده، جزئیات ریش هنوز قابل مشاهده است (تصویر ۲)، در صورتی که نقش‌های سرستون‌های دیگر، همانند نقش برجسته‌های تاق بستان چهره‌ها به‌عمد پاک شده‌اند. در واقع، تاج، جنگ‌افزارها، گردنبند سه‌آویز و جواهرات قطره‌مانند دوخته‌شده بر جامه‌ها همگی همان‌گونه‌اند که در نقش میانی نقش برجسته یادشده دیده می‌شود.^۱ تنها تفاوت واقعی، وجود

۱ همچنین ستاره‌هشت‌پری به‌روشنی بر تاج تشخیص داده شده است. این ممکن است یکی از نشانه‌های همایونی ساسانی باشد. بهترین پژوهش درباره‌ی تاق بستان هنوز Fukai and Horiuchi 1972 است.
 ۲ پژوهش‌ها درباره‌ی این موضوع در Bier 1985: 1010 آمده است. تانابه (1984a: 42-43) آنها را به‌عنوان تمثال‌هایی از Dēn تشخیص داده است. برای دیدگاهی متفاوت بنگرید به von Gall 1990a.



تصویر ۳. نقش سرستونی که گفته شده از بیستون است. نقشی از ایزدی ناشناخته.

رسیده است (Azarnoush and Chegi- ni 2001: 306; Koch and Sane 2001: 185)^۲ بنابراین چاپ‌های دوباره و نیز دسترسی به آنها در اینترنت پیدا کردن یک تصویر خوب از پادشاه بر طرف مقابل را آسان می‌کند (Khazâie 2005: fig. 4).

برآیند این کار روشن کرد که این سرستون دقیقاً به نقش برجسته غار بزرگ تاق بستان چسبیده بود، یک سازه یادبود رازآمیز منفرد که در اندیشه ما نمی‌توانست همچون نشانه‌ای از هنر ساسانی دانست. اگرچه هدف این نوشتار بیان کردن گاهنگاری این یادبود سنگی بی‌همتا نیست، پیشنهاد تاریخ‌گذاری این یادبود به

می‌دهد که یادآور تندیس اسب سوار زره‌پوش دوباره ساخته‌شده در بخش زیرین غار تاق بستان است به جز چهره‌ای که پوشانده نشده است. او همچنین یک کلاه‌خود روبان‌دار بر سر دارد، که ویژگی آن گردن‌بند سه‌آویز و یک ردا است که اندکی زره‌پوش را پوشانده است. بر هر کدام از شانه‌ها یک چیز گوی‌مانند وجود دارد که به آسانی نمی‌توان آن را تشخیص داد. در اینجا چنبره فروغینی پشت سر دارد و البته جنگ‌افزار ندارد؛ فقط به خاطر این جزئیات است که می‌توان آن را با وجود نیزه و تیردان پیکره اسب‌سوار در غار به درستی خدا دانست.^۱ تصویرهای آن سوی سرستون به همراه ایزد دست‌کم دوبار به چاپ

۱ درباره نبود جنگ‌افزار در آثار ساسانی مربوط به خدایان بنگرید به Vanden Berghe 1988: 1519; 1993: 74.
 ۲ براساس دیدگاه آذرنوش و چگینی نقش برجسته به‌عنوان «خسرو دوم به‌عنوان جنگجوی پیروز» شناسایی شده است.



تصویر ۴. تزییناتی شبیه به چلیپای شکسته بر دو طرف سرستون

اسب‌سوار زره‌پوش تاق بستان چندین نایکسانی را در تقابل با نقش‌های ایزد در سرستون نشان می‌دهد: کلاه‌خودی که همهٔ چهره او را پوشانده است و به‌ویژه، تیردانی که به پهلویش چسبیده و نیزه بلند در دستان او. درواقع، خدایان مزدایی به‌طور معمول در یادمان‌های ساسانی جنگ‌افزار نداشتند.

به‌تازگی ی. مرادی، نقش زره‌پوش هم در سرستون و هم در نقش‌برجستهٔ غار بزرگ را ایزد پیروزی ایرانیان ورث‌رنغه «بهرام» دانسته است (Moradi 2003). این شناسایی را چندین جستار دینی پشتیبانی می‌کند، از میان ده تجسم زمینی خدا، در اینجا یک جنگاور

روزگار ساسانی متأخر بیشتر متقاعدکننده به نظر می‌رسد، اگر شاهنشاه در اینجا به‌طور مستقل نمایش داده شده می‌بایست خسرو دوم (۵۹۰-۶۲۸) یا اردشیر سوم (۶۲۸-۶۲۹) باشد.^۱ بررسی‌های شایان نگرش هـ. فُن‌گال به این پیشنهاد انجامید که کسی که بر نقش‌برجستهٔ غار بزرگ تاق بستان دیده می‌شود پیروز (۴۵۹-۴۸۴) است، درحالی‌که پادشاهی که بر سرستون‌هاست براساس نایکسانی (اندک) تاج‌ها و نیز با توجه به اینکه شاهنشاه بر سرستون‌ها همواره چنبرهٔ فروغینی دارد می‌بایست خسرو دوم باشد (von Gall 1984). همچنین شایستهٔ گفتن است که

۱ برای بحث‌های به‌روز دربارهٔ گاهنگاری آثار تاق بستان بنگرید به Tanabe 2003. به‌طور ویژه دربارهٔ گردنبندها سه‌آویز به‌عنوان ویژگی هنر متأخر ساسانی بنگرید به Tanabe 1984b: 86. به‌طور ویژه دربارهٔ جواهرات سه‌آویز بر نقش‌های بالدار در تاق بستان بنگرید به Goldman 1989. جواهرات بسیار مشابهی بر پیشانی تندیس بانوی بیزانسی می‌توان دید که در میلان نگهداری می‌شود و مربوط به حدود ۴۵۰ است بنگرید به Ragghianti 1968: fig. 11.



تصویر ۵. نقش گزارش نشده سرستونی با تزیینات گیاهی که در تاق بستان نگهداری می‌شد

برقرار ساخته اما به‌هرروی دلیلی برای این نیست که او را بهرام شناسایی کنیم (Moradi 2002-). در واقع شمایل‌نگاری خداوند زره‌پوش بر سرستون تاق بستان قطعاً با یکی از دیگر خدایان با چنبره فروغین شعله‌ور متفاوت است. ر.گیسلن پیش از این برای بازشناسی خدای با چنبره فروغین با استفاده از یک سری از سکه‌های خسرو دوم تلاش‌هایی کرد. به نظر نمی‌آید آناهیتا (به ادامه بنگرید) یا همسر خسرو دوم و نه میترا، کسانی باشند که پرتو چنبره فروغین پشت سر داشته باشند.^۱ بیش از همه محتمل این است که نمایشی از ایزد آتش (با توجه به شناسایی

زیناوند نشان داده شده است (Boyce 1989: 63). همان پژوهشگر ایرانی پیش از این نیز تلاش‌هایی داشت برای پی بردن به کیستی ایزد کنده‌کاری شده بر یکی دیگر از سرستون‌های ساسانی که در کاخ چهل‌ستون اصفهان نگهداری می‌شد که نمایشی از بهرام بود. در این مورد، نقش تقریباً نابود شده است اما هنوز هم می‌توان چنبره فروغین شعله‌ور پشت سرش و حلقه دست راستش را دید. مرادی به‌درستی پیوندی میان این خدا با یک رشته از ضرابخانه‌های سکه‌های بحث‌انگیز ضرب شده در زمان فرمانروایی خسرو دوم درست با موضوع یکسان پشتشان

۱ چندین شمایل‌نگاری میترا را می‌توانید در چندین مهر ساسانی و یک کنده‌کاری صخره‌ای فقط در تاق بستان ببینید:



تصویر ۶. نقش سرستون گزارش نشده که در تاق بستان نگهداری می‌شد و نقش خدایی ناشناخته است.

نداشتن چنبره فروغین است. با توجه به واپسین نوشته درباره شناسایی بهرام در هنر ساسانی، شایسته است یادآوری نقش برجسته نقش رجب، که به روزگار اردشیر یکم (۲۲۴-۲۴۱)، تاریخ‌گذاری شده است جایی که نقش کوچکی از هرکول در میان پادشاه

آدور) یا تجسمی از شکوه شاهانه (خورنه) باشد (Gyselen 2000: 302-308). همان نویسنده‌ای فرانسوی به‌تازگی دست‌کم سه اثر مهر ساسانی را با نقش اسب‌سوار زره‌پوش همانند نقش اسب‌سوار در غار بزرگ تاق بستان دانسته است^۱ تنها اختلاف روشن مهرها

Callieri 1990. همچنین بنگرید به Colledge 1986: 28-29, pl. VII. یک ظرف پیکره سنگی از بیشاپور به‌دست آمده است که بیان شده استودانی بوده است که هر چهار سوی آن نقش داشت. آن نقش‌ها به‌عنوان میتر، زروان، آدور و آناهیتا شناسایی شده‌اند: Ghirshman 1961: figs. 99-100; 1982: fig. 210. براساس دیدگاه گیرشمن اشیاء، در موزه ایران باستان انبار شده بودند اما من نتوانستم نشانی از آنها پیدا کنم با اینکه از یاری مهربانانه شاهرخ رزمجو برای جست‌وجوی این اشیاء بهره بردم. یک بشقاب فراساسانی در موزه دولتی هرمتاژ نگهداری می‌شد که ممکن است نمایشی باشد از خورشید ایزد میتر همراه با ماه ایزد ماه بر گردونه گاو نر: Harper and Meyers 1981: 117-118, pl. 35. بشقاب دوم با نمایش خشن از همان صحنه هم‌اکنون در موزه هنرهای عالی بوستن نگهداری می‌شود Frye 1965: fig. 85.

۱ نوشته‌های فارسی میانه مهرها، صاحبان را به‌عنوان نظامیان مهم معرفی می‌کند: Gyselen 2001: figs. 1-3,6.



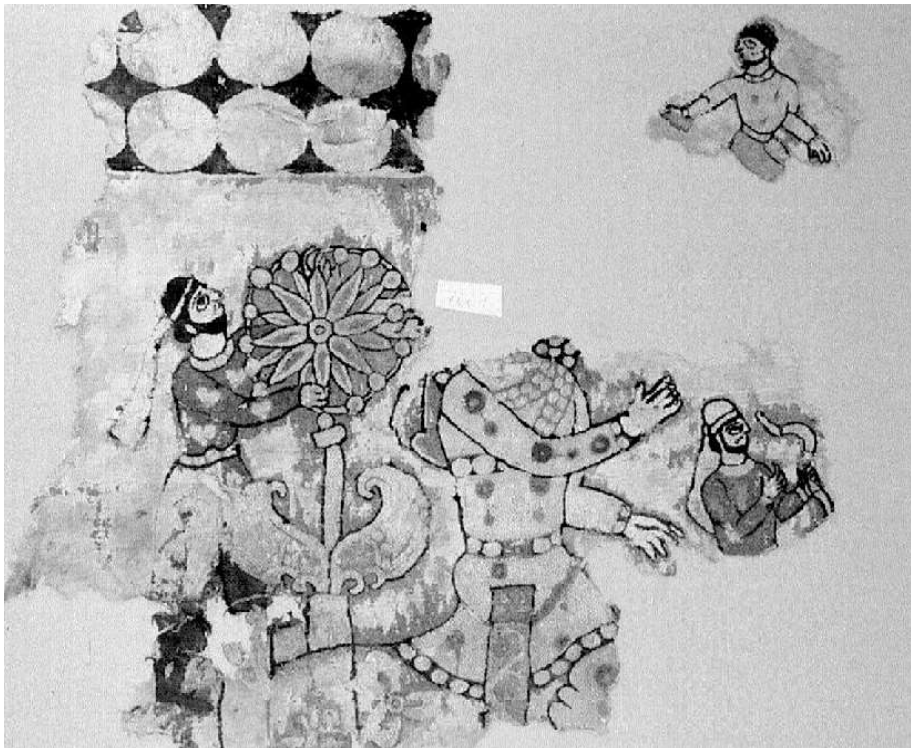
تصویر ۷. ردپایی از نقش شاه بر طرف مقابل نقش ناشناخته ایزد

واهورامزدا نمایش داده شده است. شمایل‌نگاری هرکول در واقع پیوندی با بهرام برقرار ساخته (Colledge 1986: 29, pls. VIII-IX;) چراکه (Vanden Berghe 1988: 1522) اندکی به هنر پارتیان اشاره دارد به‌ویژه، به‌دلیل یادمان‌های نم‌رو داغ. به‌هرحال، در اینجا بازه زمانی بلندی میان اجرای دو اثر تاریخی وجود دارد چنانکه در بیشتر پژوهش‌ها، تاق بستان نمایشی از هنر غیرمتعارف ساسانی است. اگر بتوان بهرام را با جنگاور زره‌پوش سازه تاق بستان به‌درستی منطبق کرد، پس شمایل‌نگاری ایرانی به‌طور فرضی از هرکول هلنی وام گرفته است که شاید پیرامون سده هفت کنار گذاشته شد.^۲ مرادی نقش دوم سرستون را که به‌تازگی پیدا

۱ در دیباچه محتاطانه *interpretatio graeca* درباره ایزدان ایرانی بنگرید به de Jong 1997: 32, 302-304. استدلال شده است که، به‌احتمال بسیار، نیایشگاه ویژه هرکول باید مدت‌ها پیش از ساسانیان درست در بیستون، نه‌چندان دور از تندیس لمیده هرکول بر شیر ساخته شده بوده است که هنوز هم می‌توان آن را دید.

۲ در برخی از نمونه‌های فلزگری ساسانی نقش‌های نیمه‌خدای یونانی بدون هیچ ارتباطی با خدایان مزدایی به نمایش درآمده است. در پیاده‌روی دیونسی در دو بشقاب سیمین ساسانی که در گالری هنر فریر و در موزه تاریخی مسکو نگهداری می‌شوند (جایی که نقش بزرگ میانی)، هرکول با توجه به طرح‌های معمول هلنیستی با پوست شیر و گرز نمایان شده، اگرچه اجرای او در محیطی ایرانی رخ داده است: Ettinghausen 1972: pl. fig. IO; Shep-herd 1980: fig. 20; Gunter and Jett 1992: pl. 14. واپسین بشقاب سیمین (ظاهراً ساسانی) مزین به نقش طلاکاری‌شده هرکول هنگام آوردن گراز به سوی انوروستوس (Eurystheus) به‌تازگی در اینترنت و بدون هیچ ارجاعی منتشر شده است:

http://www.iranchamber.com/art/articles/art_of_sassanians.php



تصویر ۸. پارچه ۷۰۰۱ در موزه بنکی آتن (عکس از Roberta Cortopassi)

گردنبند سه‌آویزه، چنبره فروغین و ردای بسته با یک جواهر بر سینه دارد، اما جزئیات روشن‌تری برای هرگونه شناسایی تشخیص داده نمی‌شود. در میان گروه سه‌تایی از نقش‌های سرستون‌های در اصل تاق بستان، فن‌گال اشاره کرده که ایزد/ایزدبانوی دیگری که زره‌پوش کرده است، همچنین (von Gall 1990a: pl. I) اشیاء رازآمیز گوی‌مانند مشابهی بر شانه‌هایش دارد.^۲ با توجه به آثار تاریخی دیگری از این گونه، چهره محو شده بود (شاید عمدی بوده)، بنابراین دشوار است که بگوییم این نقش مرد

شده همراه با نقش بهرام که با طرح پادشاه و ایزد رازآمیز در طرف روبه‌رو بسیار مشابه است و تقریباً پاک شده چاپ کرده است (تصویر ۳). فقط جزئیات جالب در دو طرف یکسان است که همانند دیگر سرستون‌ها تزیینات گیاهی ندارد، بلکه نقشی هندسی همانند چلیپای شکسته است (تصویر ۴). تکرار نقش، آب را به یاد می‌آورد، اما این دشوار است که بپنداریم در اینجا پیوندی میان این تزیین و ایزد است.^۱ دقیقاً همان‌طور که ایزد را بهرام شناسایی کردیم (تصویر ۱)، ایزد ناشناخته سرستون دوم،

۱ برای تزیینات مشابه در گچبری‌های ساسانی در نظام‌آباد ایران بنگرید به Kröger 1982: fig. 94, cat. 257
 ۲ معنی این چیزها روشن نیست اما به احتمال آنها امتیاز خدایان نبوده است، زیرا به نظر می‌رسد که بر شانه‌های پادشاه در نقش برجسته‌های ساسانی در ری پدیدار شده بودند که هم‌اکنون ویران شده‌اند Herzfeld 1938: fig. 18; von Gall 1990b: fig. 5, pl. 14

بوده است یا زن. زره مناسب یک ایزد است، حتی اگر اثر اندکی از آن را بتوان دید، فقط بخشی از نیم‌تنه را پوشانده است و نه همه بدن را همانند سرستونی که نقش بهرام دارد. دومین سرستون از همین گروه، ایزد دیگری را نشان می‌دهد که شاید با آن‌هایتا منطبق باشد. براساس دیدگاه فن‌گال برخی از جزئیات نقوش پوشاک ایزدبانو تقریباً هم بر سرستون و هم در نقش برجسته تاق بزرگ تاق بستان تکرار شده است. درواقع، گل جامه بر شانه نقش برجسته و شماری بر ردای سرستون شاید اشاره‌ای به جست‌وجوی هنرمند برای شمایل‌نگاری یکسان و همانند است. (von Gall 1990a: 100. See also Fukai and Horiuchi 1972: (pis. XXI-XXIII, XXVII). ملاحظات دیگری می‌توان افزود. شیوه پوشش ردا در هر دو اثر همانند و یکسان است اگرچه در نقش برجسته غار، شانه راست آن‌هایتا پوشانده شده، درحالی‌که در سرستون، سوی چپ پوشانده شده است.^۲ در اثر متأخر، عنصری زیر روبان در سمت چپ ایزدبانو پدیدار شده است، شاید گل یا یک گیاه دیگر تزیینی از دیگر سوی سرستون با تزیینات گیاهی ظاهر شده است. سومین سرستون منقوش «گروه بیستون» شاید ایزد دیگری را نشان می‌دهد که هویت آن بار دیگر رازآمیز

است. همچون دیگر سرستون‌هایی که به آن‌هایتا بازخوانده شده‌اند، در سوی چپ این ایزد/ ایزدبانو نیز عنصر گیاهی شکلی به نمایش درآمده است. نقش پادشاه گاهی میان دو عنصر گلدان در سرستون‌های دیگر (شاید مربوط به آختربینی باشد؟) نشان داده شده است. یک نمونه از این گونه‌شناسی در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود؛ درواقع، یک طرف آن پادشاهی در میان دو گل گرد قرار دارد درحالی‌که در طرف دیگر، ایزدی پدیدار شده که تقریباً پاک شده است.^۳ در موارد دیگر، عناصر گیاهی شکوفه‌هایی هستند که از پهلوهای دیگر سرستون با تزیینات گیاهی برآمده است. بار دیگر هنوز روشن نیست که آیا میان گیاهان گرد و خدا ارتباطی هست.

بسیار سزاوار است که به دو نقش سرستون آخر در تاق بستان در این نوشتار اشاره شود، از این‌رو که در گزارش‌های پیش از این نویسنده به آنها پرداخته است. نخستین سرستون تزیینات گیاهی ترکیب شده با گیاهان مرکزی دارد که از گلدان بیرون آمده‌اند (به‌روشنی از هنر کلاسیک وام گرفته است) به همراه گیاهان طوماری در چهار طرف.^۴ همچنین اثری از مرمت اخیر در آن دیده می‌شود (تصویر ۵). دومین سرستون ایزدی را که تقریباً در یک طرف معوشده نشان می‌دهد (تصویر ۶) و روبه‌روی

۱ دقیقاً در مورد تاج‌های پادشاه در سرستون و نقش برجسته تاق بستان، همچنین در این حالت عناصر تزیینی شبیه به هم هستند اما کاملاً یکسان نیستند. این واقعیت نتیجه‌گیری فن‌گال را تحت تأثیر قرار نداد، چنانکه در مورد شمایل‌نگاری پادشاهان اتفاق افتاد. کوزه آبریزی می‌تواند یکی دیگر از ویژگی‌های آن‌هایتا محسوب شود، چنانکه برای برخی از نقش‌های احتمالی زن در میان گچبری‌های بندیان (خراسان) پیشنهاد شده است: Rahbar 1998: 220-222, pis. VII, IX, figs. 7, 9. درباره نمایش آن‌هایتا همچنین بنگرید به Colledge 1986: 30, pl. X.

۲ جامه‌ای که ایزدبانو بر تن دارد جامه‌ای کهن است که تصور می‌شود در ایران از کوچ‌نشینان وام پذیرفته است: Knauer 1999.

۳ این سرستون پیش از انتقال به موزه تهران، همراه با یکی دیگر در اصفهان در کاخ چهل‌ستون نگهداری می‌شد: Herzfeld 1938: pl. X. براساس یادداشت نادرست موزه، این سرستون از کرمانشاه یافت شده بوده است.

۴ تصویر این سرستون بدون هیچ یادداشت ویژه‌ای در Matheson 2000: fig. 34 منتشر شده است.

آن فقط نشانه‌هایی از پادشاهی دیده می‌شود که عمدهً به‌طور کامل پاک شده است (تصویر ۷). در واقع کسی که پادشاه را پاک کرده است دوباره تلاش کرده است (بسیار ناشیانه) در همان طرف همان تزئینات گیاهی را که در دو طرف دیگر وجود دارد، بیافریند، اما ردی از دو عنصر دایره‌ای گیاهی-اختریایی و نوارهایی که به‌طور معمول در پایین نیم‌تنه پادشاه به هم وصل شده‌اند، باقی مانده است. با مشاهده چنین جزئیاتی، به‌روشنی به‌نظر می‌رسد که این پادشاه نیز همانند دیگر سرستون‌ها از جلو و به‌احتمال با چنبره فروغین پشت سرش نمایش داده شده بود.

استدلالی هست که چهره تمام‌رخ در هنر ساسانی برای قهرمانان گذشته و ایزدان به‌کار می‌رفته است (Gyselen 2000: 301-302) دقیقاً همانند چنبره فروغین پشت سر. به‌جهت چنین دلایلی، بازشناسی هویت پاک‌شده پادشاهان روی سرستون‌ها بسیار بغرنج و پیچیده می‌شود. نقش برجسته‌های غار بزرگ تاق بستان هنوز یکی از معدود نمونه‌های سودمند هنر (متأخر) ساسانی است، با این حال این سازه تاریخی پاسخگوی قاعده معمول هنر ساسانی نیست. تکه‌ای پارچه که در موزه بنکی (Benaki) آتن نگهداری می‌شود تنها نمونه دیگر همسنجی را نشان می‌دهد (تصویر ۸). این قطعه کتانی و پشمی که گفته می‌شود از مصر یافت شده است، به‌راستی که تشخیص نقش میانی را که شاید بر پشت اسب است، میسر می‌سازد، اندازه نقش نسبت به همراهان پیرامونش بزرگ‌تر است و جامه‌ای از

گونه پادشاهان ساسانی پوشیده است، که با نقش مایه‌های قطره‌مانندی تزئین شده که این گونه تزئین، هم بر جامه‌های خسرو دوم در تاق بستان (درباره پژوهش درباره این تزئینات بنگرید به Domyo 1984: fi g. 19) و هم بر جامه‌های پادشاه رازآمیز بر سرستون‌های منقوش دیده می‌شود. فقط به‌خاطر چنین جزئیاتی است که نقش اصلی را می‌توان پادشاه دانست و نه یک ایزد. افزون بر این، بر شانه‌های گل‌دوزی‌شده نقش میانی نشانه‌هایی از دو چیز گوی‌مانند تزئین شده با دیسک‌های درخشان هست، که با چیزهای گرد بر شانه‌های ایزدان زره‌پوش در دو سرستون تاق بستان همسان است. شوربختانه، پارچه بنکی نیز از کاوش‌های علمی یافت نشده است و از همین روی روشن ساختن تاریخ قطعی آن دشوار است، و فقط با مشاهده جزئیات دیگر (همچون سبک بال‌های گسترده شده بر پایه‌ستون با ستاره هشت‌پر پشت سر پادشاه میانی) می‌توان گمانه‌زنی کرد که تاریخ این تکه به اواخر روزگار ساسانی بازمی‌گردد.^۱ شخصیت تصویر آن به کاربرد احتمالی آن به‌عنوان پرده نقاشی اشاره می‌کند.^۲ استفاده از مضامینی که در ایران پیش از اسلام گسترش یافته بود به این معنی نیست که به‌طور خوددیده‌خود تولیدات ساسانی است. در گذشته مقدار مناسبی از داده‌ها گردآوری شده است برای بیان اینکه در ایران در درازنای روزگار اولیه اسلامی، عناصر معمول ساسانی در هنرها به نمایش درمی‌آمدند که برای نمونه می‌توان به گچبری‌های چال‌ترخان اشاره کرد (Thompson 1976). درباره سرستون‌های

1 Compareti, forthcoming a, b. The textile is classified as 7001.

۲ براساس جستارهای باستانی، ارتش متجاوز بیزانس و عرب در نیمه نخست سده هفتم در خانه‌های همایونی ساسانی پرده‌های نقاشی مشابهی یافتند: Christensen 1944: 469, 506; Shalem 1994: 78-79.

تاق بستان وجود ایزدانی که به احتمال بسیار با آیین مزدایی در ارتباط هستند، هنوز استدلال متأخر اجرا شده‌اند.

کتاب‌نامه

- Azarnoush, M. and N. Chegini, 2001, "Sasanian Sculpture", in A. Sh. Shahbazi, ed., *The Splendour of Iran. Vol. I. Ancient Times*, London, pp. 302-339.
- Bernard, P., 1980, "Heracles, les grottes de Karafto et le sanctuaire du Mont Sambulos en Iran", *Studia Iranica* 9/2: 301-324.
- Bier, C., 1985, "Anāhīd. iv. Anahita in the Arts", in E. Yarshater, ed., *Encyclopaedia Iranica*, Vol. I, London, Boston, Henley, pp. 1009-1011.
- Boyce, M., 1989, *A History of Zoroastrianism. Volume I. The Early Period*, 3rd impression with corrections, Leiden, New York, Koln.
- Callieri, P., 1990, "On the Diffusion of Mithra Images in Sasanian Iran. New Evidence from a Seal in the British Museum", *East and West* 40/1-4: 79-98.
- Carter, M. L., 1986, "Trifunctional Pharo", *Studia Iranica* 15/1: 89-98.
- Christensen, A., 1944, *L' Iran sous les Sasanides*, Copenhagen.
- Colledge, M., 1986, *Iconography of Religions. The Parthian Period*, Leiden.
- Compareti, M., forthcoming a, "A Possible Sasanian Textile Fragment in the Benaki Museum", in *Studies Presented to G. D'Erme on the Occasion of His 70th Birthday*, Napoli.
- , forthcoming b, "Sasanian Textile Art: An Iconographic Approach", *The Studies on Persianate Societies*.
- Domyo, M., 1984, "Costume. Investiture of the Upper Part of the Innermost Wall", in *Taq-i Bustan. IV. Text*, Tokyo, pp. 61-67.
- Ettinghausen, R., 1972, *From Byzantium to Sasanian Iran and the Islamic World*, Leiden.
- Frye, R. N., 1965, *The Heritage of Persia*, London.
- Fukai, Sh. and K. Horiuchi, 1972, *Taq-i Bustan. II. Plates*, Tokyo.
- von Gall, H., 1984, "Globus oder Diskus auf der Krone Qosrows II? Zur Datierung des gro-en Iwans von Taq-e Bostan und der sasanidischen Figuralkapitelle", *Orientalia J Duchesne-Guillemin Emerita Oblata, Acta Iranica* 23, Leiden, pp. 179-190.
- , 1990a, "The Figural Capitals at Taq-e Bostan and the Question of the SoCalled Investiture in Parthian and Sasanian Art", *Silk Road Art and Archaeology* 1: 99-122.
- , 1990b, *Das Reiterkampfbild in der iranischen und iranisch beeinflussten Kunst parthischer und sasanidischer Zeit*, Berlin.
- Ghirshman, R., 1961, *Iran. From the Earliest Times to the Islamic Conquest*, Harmondsworth.
- , 1982, *Arte persiana. Parti e Sasanidi*, Milano.
- Gignoux, Ph., 1978, *Catalogue des sceaux, camees et bullae sassanides*, Paris.
- 1991, "D' Abniin a Mahan: etude de deux inscriptions sassanides", *Studia Iranica* XX: 9-22.
- Goldman, B., 1989, "The Imperial Jewel at Taq-i Bustan", in L. De Meyer and E. Haenrick, eds., *Archaeologia Iranica et Orienta/is. Miscellanea in Honorem Louis Vanden Berghe*, Vol. II, Gent, pp. 83 1-846.
- Gunter, A. C. and P. Jett, 1992, *Ancient Iranian Metalwork in the Arthur M Sack/er Gallery and the Freer Gallery of Art*, Washington D. C.
- Gyselen, R., 2000, "Un <lieu nimbe de flames d'epoque sassanide", *Studia Iranica* XXXV: 291-314 (avec une note

- additionnelle par Ph. Gignoux).
 -----, 2001, "Lorsque l'archeologie rencontre la tradition litteraire. Les titres des chefs d'armee de l'Iran sassanide", *Comptes Rendus de l'Academie des Inscriptions et Belles lettres I*: 447-459.
- Harper, P. O. and P. Meyers, 198 I, *Silver Vessels of the Sasanian Period Volume One: Royal Imagery*, New York.
- Herzfeld, E., 1938, "Khusrau Parwēz und der Taq i Vastan", *Archäologische Mitteilungen aus Iran IX*: 91-158.
- Huff, D., 1993, "Architecture sassanide", in *Splendeur des Sassanides. L'empire perse entre Rome et la Chine [224-642]*, B. Overlaet (curator), Bruxelles, pp. 45-61.
- de Jong, A., 1997, *Traditions of the Magi. Zoroastrianism in Greek and Latin literature*, Leiden, New York, Kain.
- Khazaie, M., 2005, "The Sources and Religious Symbolism of the Arabesque in Medieval Islamic Art of Persia", *Central Asiatic Journal* 4911: 27-50.
- Kleiss, W., 1968, "Die sasanidischen Kapitelle aus Vendemi bei Kamyaran nordliche Kermanshah", *Archaologische Mitteilungen aus Iran 1*: 143-147.
- , 1983, "Fundplatze sasanidischer Kapitelle in Vendemi und in Kermanshah", *Archaologische Mitteilungen aus Iran 16*: 312-323.
- Knauer, E. R., 1999, "Le vetement des nomades eurasiatiques et sa posteriorite", *Comptes Rendus de l'Academie des Inscriptions et Belles Lettres IV*: 1141-1187.
- Koch, H. M. and M. Sane, 2001, *The Never Dwindling Fire*, Shiraz.
- Kroger, J., 1982, *Sasanidischer Stuckdekor*, Mainz am Rhein.
- Lee, J. and F. Grenet, 1998, "New Light on the Sasanid Painting at Ghulbayan, Faryab Province, Afghanistan", *South Asian Studies* 14: 75-85.
- Luschey, H., 1968, "Zur Datierung der sasanidischen Kapitelle aus Bisutun und des Monuments von Taq-i-Bostan", *Archaologische Mitteilungen aus Iran 1*: 129-142.
- , 1996a, "Die sasanidischen Kapitelle", in W. Kleiss and P. Kalmeyer, eds., *Bisutun. Ausgrabungen und Forschungen in den Jahren 1963-1967*, Berlin, pp. 89-90.
- , 1996b, "Orte in der Nachbarschaft von Bisutun", in W. Kleiss and P. Kalmeyer, eds., *Bisutun. Ausgrabungen und Forschungen in den Jahren 1963-1967*, Berlin, pp. 261-264.
- , 1996c, "Die Felsarbeitung des Farhad ('Terrash-e Farhad')", in W. Kleiss and P. Kalmeyer, eds., *Bisutun. Ausgrabungen und Forschungen in den Jahren 1963-1967*, Berlin, pp. 117-120.
- , 1998, "Farhad und Shirin. Die Dichtung Nizamis und andere literarische Quellen als Beitrage zur Archaologie Irans", *Archdologische Mitteilungen aus Iran 30*, 307-339.
- Matheson, S. A., 2000, *Persia. An Archaeological Guide*, Third revised edition, Tehran.
- Moradi, Y., 2002-2003, "Another Look at a Sasanian Column Capital in Chel Sotun Palace in Isfahan", *Iranian Journal of Archaeology and History* 17/1: 38-44 (in Persian with an English abstract).
- , 2003, "Recently Discovered Column Capitals from Kermanshah: A Proposal on the Identity of the Mounted Figure at the Great Iwan of Taq-i Bostan and the Deities Carved on the Capitals", *Iranian Journal of Archaeology and History* 17/2: 23-36 (in Persian with an English abstract).
- Ragghianti, C. L., 1968, *L'arte bizantina e romanica*, Roma.
- Rahbar, M., 1998, "Decouverte d'un monument d'epoque sassanide a Bandian, Dargaz (Nord Khorassan). Fouilles 1994 et 1995", *Studia Iranica* 27/2: 213-250.
- Russo, E., 2004, "La scultura di S. Polieucio e la presenza della Persia nella cul-

- tura artistica di Costantinopoli nel VI secolo", in *La Persia e Bisanzio*, Roma, pp. 737-826.
- Shalem, A., 1994, "The Fall of al-Mada'in: Some Literary References Concerning Sasanian Spoils of War in Medieval Islamic Treasuries", *Iran* XXXII: 77-81.
- Shepherd, D. G., 1980, "The Iconography of Anahita", *Berytus* XXVIII: 47-83.
- Tanabe, K., 1980, "An Essay on a «Tassel» Represented in the Armor-Clad Equestrian Image of the Larger Grotto, Taq-i Bustan", *Orientalia* XXIII/1: 65-82 (in Japanese with an English summary).
- , 1981, "An Identification of the Chain-Armoured Equestrian Image at the Larger Grotto, Taq-i Bustan", *Orientalia* XVII: 105-118.
- , 1984a, "A Study of the Sasanian Disk-Nimbus: Farewell to Its Xvarnah Theory", *Bulletin of the Ancient Orient Museum* VI: 29-50.
- , 1984b, "Iconographical Description. Royal Boar-Hunting of the Left Wall", in *Taq-i Bustan. JV Text*, Tokyo, pp. 83-95.
- , 2003, "The Identification of the King of Kings in the Upper Register of the Larger Grotto, Taq-i Bustan: Ardashir III Restated", in M. Compareti, P. Raffetta and G. Scarcia, eds., *Eran ud Aneran. Studies Presented to Boris 1. Marsak on the Occasion of His 70th Birthday* (online publication at: www.transoxiana.org).
- Tavoosi, M. and R. Frye, 1989, "An Inscribed Capital Dating from the Time of Shapur I", *Bulletin of the Asia Institute* 3: 25-98.
- Thompson, D., 1976, *Stucco from Chai Tarkhan-Eshqabad Near Rayy, Warminster*.
- Vanden Berghe, L., 1988, "Les scenes d'investituresur les reliefs rupestres de l'Iran ancien: evolution et signification", in G. Gnoli and L. Lanciotti, eds., *Orientalia Josephii Tucci Memoriae Dicata*, Vol. II, Roma, pp. 1511-1531.
- , 1993, "La sculpture", in *Splendeur des Sassanides. L'empire perse entre Rome et la Chine [224-642]*, B. Overlaet (curator), Bruxelles, pp. 71-88.

“Contents”

Article

Ahura Mazda and Shapur II? A Note on Taq-I Bustan I, The Investiture of Ardashir II Bruno Overlaet, Persian translated by Sajjad Bahramian	4
Remarks on Late Sasanian Art: The Figural Capitals at Taq-e Bostan Matteo Compareti, Persian translated by Shahin Aryamanesh	20
A Wandering Masterpiece in Closet: Brass Ewer of Zanjan Archaeological Museum Ali Norallahi	34
The Sphero-conical Vessel: A Difficult Interpretation between Historical Sources and Archaeology S, Pradines, Persian translated by Mohsen Saadati	64
Archaeological Survey of Zahan and Shaskuh Sections of Zirkuh County of South Khorasan Mohammad Farjami & Ali Asghar Mohmoodi Nasab	74
Archaeological Survey of the Historical Context of the Village of Tighdar in Qaen Ali Asghar Mahmoodi Nasab & Esmaeil Marofi Aghdam	103

Obituary

Robert Henry Dyson Arshak Iravanian	120
---------------------------------------	-----

Critique and Book Review

Decline and Fall of the Sasanian Empire ... Arshak Iravanian	121
--	-----

Reports

Memordom of Reza Mostofi Fard	125
First International Conference of the Society of Iranian Archaeology: “Cultural Interactions, Continuity and Disruption”	131
Seventeenth Annual Sympoaium on the Iranian Archaeology	136
Statement by the Society for Iranian Archaeology	142



ایران ورجاوند

○ ○ ○ ○ ○
| Iran-e Varjavand (Glorious Persia) |
| Persian Journal Of Iranain Studies |
| Vol. 2, No.3, Autumn & Winter 2020 |

Concessionaire, Manager in Charge
and Editor-in-chief:
| Dr Shahin Aryamanesh |
Managing Editor: **Houshang Rostami**

 Tehran, Iran, Post box: 14515-569
 www.iranvarjavand.ir
 Iranvarjavand@hotmail.com
 +98 9395969466

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced, stored in a retrieval system or transmitted in any form or by any means, electronic, mechanical, photocopying, recording or otherwise, without prior permission in writing, from the publisher.

With Contributions by
| Tissaphernes Archaeological Research Group |





Persian Journal of Iranian Studies | Vol. 2 | No. 3 | Autumn & Winter 2020



ایران ورجاوند

Iran-e Varjavand
(Glorious Persia)

- ◆ Remarks on Late Sasanian Art: The Figural Capitals at Taq-e Bostan
- ◆ Archaeological Survey of the Historical Context of the Village of Tighdar in Qaen
- ◆ A Wandering Masterpiece in Closet: Brass Ewer of Zanjan Archaeological Museum
- ◆ Ahura Mazda and Shapur II? A Note on Taq-I Bustan I, The Investiture of Ardashir II
- ◆ Archaeological Survey of Zahan and Shaskuh Sections of Zirkuh County of South Khorasan
- ◆ The Sphero-conical Vessel: A Difficult Interpretation between Historical Sources and Archaeology